



تحلیلی بر نگاره (خسرو در مقابل قصر شیرین) و ارتباط آن با

دیدگاههای کلامی نظامی گنجوی

فاطمه حسن پور بهبهانی

کارشناس ارشد صنایع دستی (گرایش پژوهش در هنرهای سنتی ایران)

چکیده

اثر مورد تحلیل در این پژوهش، یکی از نگارگریهای قرن پانزدهم ایران است که در این مقاله بعد از آنالیز موضوعی، محتوایی، شکلی و فرمی آن، به تحلیل آن قسمت از داستان نظامی که به این نگاره مربوط می شده، پرداخته ام. طی مطالعات کتابخانه ای که در زمینه آشنایی با دیدگاههای کلامی نظامی انجام شد، سعی بر این داشتم که ارتباط مفهومی، شکلی و محتوایی اثر را با دیدگاه کلامی نظامی برقرار کرده و به این نتیجه برسم که هنرمند نگارگر ایرانی در اثر خود، چقدر به این دیدگاهها توجه داشته و چگونه آنها را در خلق اثر مورد نظر، به کار برده است. همچنین مواردی که به طور مستقیم این ارتباط فرمی، موضوعی با عقاید و تفکرات نظامی برقرار شده را عنوان کنم.

واژگان کلیدی: خسرو و شیرین، نگارگری، نظامی گنجوی



مقدمه

نقاشی ایرانی با توجه به مفاهیم عمیقی که در پس خود جای داده است، انسان را ترغیب می کند که علاوه بر نظاره آن، به مفاهیم عمیق و ریشه ای که در دل خود نهان دارد، پی ببرد. ادبیات ایرانی نیز از چنین خصوصیتی برخوردار است و هر انسان صاحب ذوقی با یک بار خواندن اشعار وزین و عمیق فارسی، به عمق وجودی آنها پی نخواهد برد. با توجه به این ویژگیهای هنر و ادبیات ایرانی، خیلی از پژوهشگران این راه را لازم دانستند که سفری به عمق ادبیات و هنر داشته باشند و از دنیای درون آنها، ارتباطی که مد نظر است را برقرار کنند. رسیدن به عمق و معنا و مفهوم نهایی آنها، ما را با روشنفکران جامعه خود که همان شاعران و دانشمندان هستند، بیشتر آشنا کرده و همچنین دیدگاهها و نگرش های این عزیزان هم برای ما آشکار می سازد. هنرمندان سنتی ما هم با توجه به دنیای رمز آلود هنر، از این معنا نگاری استفاده کرده و در مکانی دیگر که دنیای درون تابلو است با ادبیات ما ارتباط برقرار کرده اند.

در این پژوهش سعی شده که به کشف دنیای درون نگاره ی «خسرو در مقابل قصر شیرین» که از خمسه نظامی است پرداخته شود و علاوه بر انواع آنالیز اعم از: موضوعی، تکنیکی، فرمی، شکلی و محتوایی، به ریشه یابی ارتباط آنها با مبانی نظری متفکر و شاعر عزیز کشورمان، نظامی گنجوی خواهیم پرداخت و بعد از رمزیابی و رسیدن به معانی و مفاهیم اصلی تابلو و عناصر موجود در آن، آن را با منبع نظری تابلو که شعر نظامی است، مطابقت دهیم تا علاوه بر ارتباط عناصر موجود در اثر با شعر، به اینکه چقدر هنرمند نگارگر سعی کرده دیدگاههای کلامی نظامی را در اثر خود جای دهد نیز توجه داشته باشیم.

آنالیز موضوعی نگاره (خسرو در مقابل قصر شیرین)

در این مقاله نگاره ای که مورد توجه و تحلیل همه جانبه قرار خواهد گرفت، اثری موسوم به «خسرو در مقابل قصر شیرین» است که تصویرگری شده از یک نسخه نظامی، به نام خسرو و شیرین است. موضوع خسرو در مقابل قصر شیرین یکی از موضوعاتی بوده که همیشه مورد توجه نقاشان ایران قرار داشته است، چرا که در آن می توانستند معماری ساختمان را با منظره و دورنما ترکیب کنند و این شامل تنوع پیکره ها هم می شد. در اینجا به توصیف و تحلیل موضوع، آنالیز شکلی، تکنیکی و محتوایی اثر هنری و ادبی خواهیم پرداخت.

در ابتدا برای شرح موضوع تصویر مورد نظر، لازم می دانم خلاصه ای از داستان خسرو پرویز آورده شود: داستان از مرگ خسرو انوشیروان شروع می شود. در این هنگام سلطنت به هرمز رسیده و او فاقد فرزند است. پس از چندین نذر و قربانی، خداوند فرزندی بر او عنایت می کند که نامش را خسرو پرویز می نهد. حوادث مهم از سن ۱۴ سالگی به بعد برای خسرو پرویز یکی پس از دیگری آغاز و تا پایان حیات ادامه پیدا می کند. داستان نگاره منتخب، مربوط به یکی از رویدادهای خسرو پرویز با معشوق دیرینه خود، شیرین است. روزی شاه با کوبه خاص و با جلال و شکوه ویژه ای، به قصد شکار، از قصر خارج میشود. از این شکارگاه به آن شکارگاه، و از این صحرا به آن صحرا رخت می افکند. از آنجا که برای خسرو پرویز که بعد از مرگ همسر و هوسبازیهای فراوان از همه سیر شده، و برای دیدار شیرین بی طاقت است، شکار بهانه ای بیش نیست. بلکه هدف دیدار شیرین می باشد اما نمی خواهد کسی از راز او با خبر شود تا آنجا که در ادامه ی شکار، راه را به سوی قصر شیرین کج می کند و در یک فرسنگی قصر دلارام فرود می آید.

بند در یک شکارستان نمی ماند شکارافکن شکار افکن همی راند



زمستان است و هوا سرد و یخبندان . شاه دستور می دهد آتش بر افروزند و آن شب را تا سحرگاه به استراحت می پردازد . آفتاب بامدادی که می دمد ، شاه شادمان از تن آسایی بر می خیزد و نشاط آغاز می کند . جامه‌هایی پیاپی بالا می کشد و آنگاه که یاد شیرین بر خاطرش سنگینی می کند. مست از باده ، بر شب‌دیز می نشیند و همراه غلامانی مخصوص ، سوی قصر نگار می تازد . (در این نگاره صحنه ای از این داستان به تصویر درآمده که خسرو سوار بر شب‌دیز به همراه چند نوازده بیرون از قصر مانده و منتظر باز شدن در است تا به محبوب خود ، شیرین برسد. شیرین نیز در بالاترین قسمت ساختمان در حال نظاره کردن خسرو است و چندین نگهبان هم در ورودی قصر گماشته است) . به زودی فرا رسیدن خسرو پرویز را به شیرین خبر می دهند. شیرین از این دیدار نابهنگام هراسناک می شود ، اما با وجود سرمستی خویش ، از گشودن در قصر خودداری می کند. همانطور که در اشعار این چنین آمده :

خبر کردند شیرین را رقیبان	که اینک خسرو آمد بی نقیبان
دل پاکش زنگ و نام ترسید	وزان پرواز بی هنگام ترسید
حصار خویش را در داد بستن	رقیبی چند را بر در نشستن

از طرف دیگر از خوشحالی دیدار معشوق خود به خدمتگزاران دستور می دهد زر و زیور بر سر راه خسرو بپاشند اما خود به پشت بام قصر می رود و گوش بر در و چشم در راه می نهد. در نگاره پیش رو هم همانطور که گفته شد شیرین در بالاترین قسمت قصر ایستاده و به آمدن خسرو نگاه می کند و کنیزانی در اطراف او هستند . در ادامه ی داستان ، خسرو پرویز ، فرا می رسد و شیرین که از دور جمال مست او را می بیند ، از هوش می رود. پس از به هوش آمدن در کار خویش درمانده می شود و با خویشتن به نجوا می نشیند : اگر او را نپذیرم در فراقش خواهم مرد و اگر لختی رام گردم ، همچون ویس در جهان بدنام خواهم شد. از سوی دیگر، شاه از روی فرشهای دیبا رنگ می گذرد ، اما با در بسته ی کاخ مواجه می شود و شگفتی او را فرا می گیرد . نگهبانی نزد شیرین می فرستد تا علت بسته بودن در را جویا شود واز زبان او بیان کند که :

درم بگشای کاخر پادشاهم به پای خویشتن عذر تو خواهم

و درخواست دمسازی و دیدار می کند. از آن سو شیرین با شنیدن پیام خسرو پرویز کنیزی را به خدمت می فرستد و بساطی گوهرین در برابر ایوان خود برایش می گسترد. و به سخن با خسرو می پردازد . شیرین در پاسخ سوال خسرو که گفته بود چرا در را بر روی مهمان خود بستی ، به او می گوید که از ترس بدنامی این کار را کرده است و بستن در را چنین توجیه می کند :

حدیث آنکه در بستم روا بود	که سرمت آمدن پیشم خطا بود
چومن خلوت نشین باشم تو مخمور	ز تهمت رأی مردم کی بود دور

در اینجا هدف خسرو پرویز روشن است . او می خواهد شیرین را نیز همچون دیگر کنیزان و زنان در بار خویش به چنگ آورد و احتمالاً پس از خاموشی هوس ، او را نیز به دست فراموشی بسپارد ولی ، تلاش بیهوده می نماید ، زیرا شیرین جز با عقد رسمی و با رعایت تمام تشریفات عروسی و درباری حاضر به ملاقات نیست. در نگاره مورد نظر ما نیز با آوردن اشعاری که به آنها اشاره خواهیم کرد به آن قسمت از داستان تاکید دارد که شیرین در را به روی خسرو پرویز باز نکرده ولی فرشی زرین بر جلوی راه او پهن کرده تا پادشاه از آن عبور کند . و در جایی دیگر آمده :

ملک بفرش آن زیبایی گلرنگ	جذبیت راند و سوی قصر شد تنگ
دری دید آهنین چون سنگ بسته	زحیرت ماند بر در دل شکسته

نه روی آنکه از در باز گردد نه رای آنکه قفل انداز گردد
رقیبی را به نزد خویشان خواند که ما را نازنینی بر درچه اماند

به گمان بنده ، هنرمند نگارگر ایرانی اواخر قرن نهم ، با آوردن این اشعار و تصویر این قسمت از داستان ، تلاش به نشان دادن نجابت شیرین در مقابل پادشاه و دوری کردن زنان این سرزمین از بدنامی و ننگ دارد ، تا جایی که از عشق معشوق خود بیهوش می شود و راه را آذین بندی می کند ولی حاضر به هوس رانی و خوش گذرانی یک شبه نیست. اگر چه در تصویر این موضوع ، هنرمند به جای فرشهای دیبا رنگی که در توصیف نظامی آورده بود ، به ترسیم طبیعتی زیبا در پشت سر خسرو بسنده کرده است . غلامان خاصی هم که در شعر گفته شده ، همراه خسرو پرویز آمدند ، چون با آلات موسیقی در دست هستند و گویای بر پای ضیافت و هوسرانی بیشتر خسرو پرویز است. یعنی نگارگر ، هدف نظامی از گفتن « غلامان خاص » را برای مخاطب ، اینگونه به تصویر کشیده است که کلام شاعر را کامل کند ولی در ادامه ، خسرو پرویز از در بسته در تعجب می ماند و می گوید :

چه تلخی دید شیرین در من آخر چرا در بست از نیشان بر من آخر

بعد از اسرار کردن پادشاه برای دیدن شیرین ، او کنیزی را به سراغ پادشاه می فرستد و بعد از آوردن وسایل و تدارک دیدن مکان برای خسرو می گوید که شیرین چنین گفته :

پرستار توشیرین هوس جفت به لفظ من شهنشه را چنین گفت
که گر مهمان مائی ناز منمای به هرجا که فرود آرم فرود آی

آنالیز فرمی و تکنیکی نگاره

ابعاد و اندازه ی نگاره « خسرو در مقابل قصر شیرین » ۱۹ در ۲۹ سانتی متر است و مربوط به اواخر قرن پانزدهم است . از بارزترین عناصر تصویری به کار رفته در این نقاشی ، یک ساختمان بزرگ که محل زندگی و قصر شیرین است ، می باشد. این ساختمان با نحوه پرسپکتیو خاص نگارگری ترسیم شده است و بنا شامل ۳ طبقه است که در بالاترین طبقه ، شیرین با لباسی هم رنگ لباس خسرو به رنگهای سبز و قرمز ایستاده است . بنای مورد نظر با ترکیب آبی تیره و آکر که از اصلی ترین رنگهای سنتی ایران است رنگ آمیزی شده است . آبی تیره قصر شیرین همخوانی زیبایی با روانداز اسب خسرو (شبیدیز) دارد. رنگ آکر نیز که قسمت جلویی عمارت و درختان پس زمینه قصر را پوشانده و همچنین نقش و نگارها و تزئینات بنا ، به خوبی سبک ترسیم این نگاره که متعلق به دوران صفوی است را ، نشان می دهد .

اگر بخواهیم دیگر عناصر به کار رفته در نگاره را نام ببریم ، باید به دو درخت در جلوی عمارت اشاره کنیم که یکی تنومند و دیگری جوان تر و باریک تر است . درختان دیگر در نگاره هم ، دو درخت سرو ، در بالای تصویر و یک تک درخت سرو در گوشه سمت چپ عمارت قرار دارد . هر کدام از گونه های گیاهی نگاره را می توان شناسایی کرد و به معرفی آنها پرداخت که در ادامه آنها را ذکر خواهیم کرد . در ترکیب بندی پیش رو دو کتیبه داریم که یکی در قسمت بالا ، سمت چپ و دیگری در پایین نگاره ، خود نمایی می کنند که هر دو قسمتی از اشعار نظامی گنجوی هستند ، به چشم می خورد که ابیات عبارتند از :

ملک بر فرش آن دیبای گلرنگ جنیبت را ند و سوی قصر شد تنگ

و در قسمت پایین:



نه روی آنکه از در باز گردد نه رأی آنکه قفل انداز گردد
 دری دید آهین چون سنگ بسته زحیرت ماند بر دردل شکسته
 رقیبی را به نزد خویشتن خواند که ما را نازنین بر در چرا ماند

زمینه رنگی هر دو کتیبه به رنگ آبی تیره با تزئینات مختلف است. معانی اشعار کتیبه همانطور که در شرح موضوعی آورده شد، مربوط به آن قسمت از داستان خسرو شیرین است که خسرو به بهانه شکار بدون نگهبان به سمت قصر شیرین حرکت می کند و غلامان نوازنده را برای خوشگذرانی به همراه خود می آورد و شیرین به دلیل دوری از بدنامی از بازکردن در به روی پادشاه و راه دادن او به داخل قصر امتناع می کند. اگر به سراغ عناصر انسانی موجود در نگاره برویم، باید ابتدا از دو عنصر اصلی نگاره که همان شخصیت های خسرو و شیرین است، نام ببریم. خسرو پرویز سوار بر اسب مورد علاقه خود شبذیز در یک سوم میانی تصویر، در حالی که روی به سمت بالا همانجایی که شیرین ایستاده است دارد، به چشم می خورد. غلامانی که همراه خسرو و پرویز هستند با ادوات موسیقی در پایین تصویر دیده می شوند. دو باغبان در باغ عمارت شیرین مشغول هستند که می توانند با دو درخت که پیر و جوان هستند، ارتباط معنایی داشته باشند و در طبقات بالا، تعدادی خدمتکار زن به چشم می خورد و اگر تعداد افراد موجود در تصویر را بخواهیم، بیست نفر هستند.

از موجودات دیگر، به جز حیوان و انسان، موجوداتی فرا زمینی به چشم می خورد که به دلیل وجود بالهایی در بدن آنها، در فرهنگ مسیحیت پیکهای الهی هستند و ویژگی های الهی دارند. تعداد این موجودات فرازمینی در قسمت بالای عمارت به عدد هفت می رسد. که خود می تواند معنایی خاص داشته باشد. در بین درختان بالای تصویر سه فرشته و در طبقه دوم عمارت دو فرشته در تزئینات آورده شده که حالت نگهبان به خود گرفته اند. در ضمن سبک طراحی فرشته ها شبیه به فرشتگان بیزانسی است. بالهایی با انتهای کشیده و تیز.

در ادامه باید گفت که پرندگان هم می توانند هر کدام نقش خاصی در القای مفاهیم مختلف در نگاره داشته باشند که در اینجا با نام عناصر فرعی از آنها یاد می شود. مرغابی هایی که درون حوض نقره در پایین تصویر در حال شنا هستند و پرندگان دیگر بر روی شاخه های درختان بالای تصویر همان عناصر فرعی است که به معنای آنها در ادامه اشاره خواهیم کرد.

اشکال، ترکیب بندی و معانی

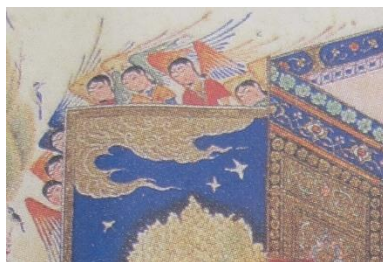
در این مبحث چون علاوه بر رابطه اشیاء و ترکیب بندی آنها، در نگاره های یاد شده، به معانی و نمادگرایی سنتی هم می پردازیم. نمادهای سنتی اموری « قراردادی » یا « وضعی » نیستند. بلکه همراه با اندیشه هایی که با آنها متناظرند به ادمیان اعطا شده اند بر این اساس، میان نمادی که آن را بدانند و بشناسند و نمادی که آن را بجویند و وضع کنند، فرق است. اولی زبان جهانی سنت است و دیگری زبان شخصی و بیان حال هنرمندانی است که گاه «نمادگرا» خوانده می شوند. ضرورت اصلی دقت در شمایل نگاری مان، خواه در تصویر کلامی یا دیداری، از اینجا نشأت می گیرد و نتیجه اش آن است که اگر بنا باشد آنچه را که نوشتار بیان گرانه در صدد انتقال آن است دریابیم، نمی توانیم فقط آن را به معنای حقیقی یا تاریخی اش بگیریم، بلکه باید حاضر باشیم که آن را به « شیوه تاولی » تفسیر کنیم.

نگارگری ایرانی، دارای ویژگیهای بصری بسیاری است. فضا نیز یکی از ویژگیهای در خورد توجه در این هنر است. هنرمند ایرانی برای خلق این فضا، از تمهیدات بصری گوناگونی بهره جسته است تا به نتیجه مورد نظر خود برسد. مضمون بیشتر نگارگری های ایرانی از اشعار پارسی الهام گرفته شده است. اشعاری که در آنها عرفان نقش عمده ای را بازی می کند.

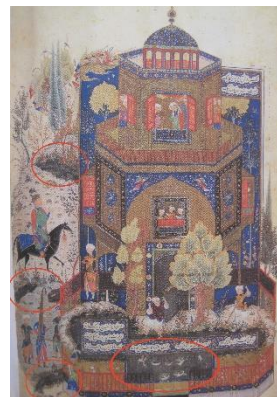


معمولاً در نگارگری ایرانی مکانها و حوادث مختلف به طور همزمان نمایش داده می شوند و بدین ترتیب فضای نگارگری به روایت داستانی نزدیک می شود و فضای تجسمی گسترش می یابد (فصلنامه مطالعات هنر اسلامی / شماره ۱۶ ، ۸)

اولین عنصر تصویری مورد بررسی ، فضا است که در نگارگری دو ویژگی دارد : یکی فضاهای مادی و کمی و دیگری فضاهای معنوی و کیفی. مفهوم فضا در نگارگری ایرانی با جهانی دیگر ، پیوند دارد و دارای ابعاد مستقل از مکان محسوس می باشد . (عکاشه ، ۱۳۸۰ ، ۱۵۲-۱۵۳). فضا از نظر لغوی به مفهوم مکان است و شامل مکانی می شود که اجرام مادی ، آن را اشغال کرده و محیط پیرامون آن را تعریف می کنند ، همچنین از طریق روابط بین آنها ، فضا قادر به بیان مفاهیم بصری میشود. (فصلنامه مطالعات هنر اسلامی / شماره ۹/۱۶) . ویژگی غالب در فضای نگارگری ایرانی ، ایجاد فضای ماورایی و مثالی است این فضا با تلفیق و بهره از دیگر تمهیدات تجسمی چون انواع فضا از جمله فضای همزمانی ، فضای رنگی ، فضای دو بعدی به تصویر کشیده می شود . همین جا لازم می دانم سری به نگاره ی « خسرو در مقابل قصر شیرین » بزنیم و آنالیزی از فضای حاکم بر نگارگر داشته باشیم . فضای مثبت و منفی نگاره مورد نظر به راحتی قابل تشخیص است . فضای مثبت ، آن مقدار از فضا است که در جلوی تصویر قرار دارد ، دارای رنگهای محکم و پرنگ تر از رنگهای اطراف است که عموماً موضوع اصلی و نقش اول داستان ، فضای مثبت را به خود اختصاص می دهد. در این نگاره عمارتی که شیرین و خدمتکارانش در آن هستند و خود خسرو و اسبش فضای مثبت نگاره هستند . نگارگر ایرانی با بزرگ و کوچک کردن اجسام و تیره و روشن کردن رنگها عمق را به خوبی در فضای دو بعدی کاغذ نشان می دهد حتی عمق کم یا زیاد. در اینجا ، قسمت پایین قصر که نرده هایی قرمز دارد و وارد باغ می شود ، جلوترین مکان به لحاظ رعایت پرسپکتیو و درختان در بالاترین قسمت تصویر ، دورترین عناصر فضای مورد نظر است . فضای واقعی اثر خسرو در مقابل قصر شیرین ، آن قسمت از فضا است که داستان مورد نظر را حکایت می کند که به لحاظ بصری ، کاراکتر خسرو ، قصر و اتفاقات درون آن است و فضای وهمی و ماورایی این اثر ، وجود فرشتگانی است که در بالای قصر شیرین نظاره گر داستان هستند . از مبحث فضا و ترکیب بندی که بگذریم ، به معانی و نمادگرایی های تصویری اجسام و اشکال در نگاره خواهیم پرداخت که با روح اثر ارتباط بهتری بتوانیم برقرار کنیم . اولین عنصر تصویری که به آن اشاره خواهیم کرد ، آب است . آبها منشاء همه مخلوقات هستند. منشاء هستی و گور مخلوقات در عالم . آبها تداعی کننده رطوبت ، حرکت دورانی خون و شیر حیات هستند و با خشکی و ایستایی و مرگ در تضادند.



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۱

درنگاره « خسرو مقابل قصر شیرین » آب را به دو صورت مشاهده می کنیم . اول آبی که حالت جوی از بالای تصویر به حالت مارپیچ روان است ، از پشت قصر شیرین عبور کرده ، از کنار اسب خسرو گذشته و به پایین ترین قسمت تصویر رسیده و دوم حوضچه ای در قصر شیرین که هفت مرغابی در آن مشغول به آبتنی ، غوطه ور شدن و شنا هستند . باغبان پیر هم در آن

پای گذاشته و در حال راه رفتن است. (تصویر شماره ۱). آنها احیاء کننده و دمنده زندگی تازه اند به همین دلیل تعمید با آب یا خون در مذاهب مرتبط با راز آشنایی، زندگی کهن را شسته و زندگی نو را مطهر می سازد (کوپر، ۱۳۸۶، ۵)

به نظر من باغبان پیر هم می خواهد همین امر را یاد آور شود و می گوید هیچ گاه برای نو شدن، دیر نیست. غوطه خوردن در آب، نه تنها نماد بازگشت به پاکی آغازین، مرگ زندگی کهنه و نوزایی زندگی است، بلکه نماد غوطه وری جان در جهان عینی نیز هست (همان، ۵). در جایی دیگر آقای جی. سی. کوپر معانی خاصی را برای آب در فرهنگهای مختلف بیان می کند که اشاره به آنها می تواند ما را به هدفمان که ارتباط با داستان خسرو شیرین و تحلیل مفهومی نگاره است نزدیک تر کند. آب به معنای جدایی نیز هست، مثل عبور از دریا یا رودخانه مرگ، آب هم نیروی حیات هم نیروی مرگ است. از این رو هم جدایی می افکند و هم وحدت می بخشد. در فرهنگ اسلامی آب یعنی شفقت، معرفت باطنی، تطهیر و زندگی. در فرهنگ ایرانی (APO) آپو هم نیروی شمسی و هم قمری و هم اقیانوس آغاز هستی است. در فرهنگ مسیحیت آب نماد باززایی، تجدید حیات، پاکیزگی، تطهیر، نیروبخشی و تعمید است. با معانی که از آب یاد کردیم نتایج خوبی به دست می آوریم که اولین آنها، اشاره به پاکی شخص اول داستان نظامی، (شیرین) است. غوطه خوردن مرغابی ها در آب شاید نمادی از بازگشت شیرین به پاکی آغازین خود و آلوده نشدن او به هوسهای خسرو است. که هنرمند تصویر گر این مفهوم را که در شعر نظامی نیز از او چنین یاد شده به خوبی نشان می دهد:

دل پاکش زنگ و نام ترسید / وزان پرواز بی هنگام ترسید

در جای دیگر به گفته جی. سی. کوپر، آب جدایی هم می افکند. آن آبی که خسرو و با اسب خود از آن در حال عبور است، می تواند نماد خسرو در این تصویر باشد و جدایی که بین او و شیرین افتاده است. در نگارگری ها عموماً آب را با نقره نشان می دادند. یعنی جاهایی که آب وجود داشت، در نگاره، با رنگ سیمین یا نقره ای پر می شد. دلیل این امر شاید ارزش فلز نقره در آن زمان و ارزش آب با توجه به معانی یاد شده باشد و شاید هم نقره تلاء لو آب و درخشانی آن را بهتر نشان می داده است.

بعد از عنصر آب می خواهیم به سراغ نماد پردازی ابرها برویم. در این نگاره فقط در قسمت بالای تصویر و پشت عمارت شیرین تکه ای ابر به رنگ طلایی یا آکر دیده می شود. (تصویر شماره ۲) ابرها در فرهنگ نمادهای سنتی معانی مختلفی از قبیل: سپهر، هوا، ناپایداری باران یا وضعیت ملکوتی است، (مثل زمانی که فرشته ای یا فردی ایستاده روی ابر تصویر می شود). ابر نورانی نیز نشان دهنده تجلی خداست. وجود خدا و فضای مقدس نگارگری های ایرانی غیر قابل انکار است. در این نگاره هم به خوبی این مفهوم با وجود فرشته های بالای ابر مشهود است. ابر در مسیحیت: خدای نامرئی، حجاب آسمان و همچنین ابرها به معنای حجاب خدا نیز هستند. در این مقاله، علاوه بر توجه به نمادگرایی اشکال در فرهنگ ایرانی و اسلامی، به نمادگرایی های دین مسیحیت هم پرداخته شده، زیرا که شخصیت اصلی داستان که شیرین است، فردی از دیار ارمن است و دین او مسیحیت است. به همین دلیل گمان می رود نگارگر ایرانی و شاعر ایرانی (نظامی گنجوی) در نشان دادن وجوه شخصیتی او و داستان سرایی خود از این آیت خاص بهره برده باشند. عنصر تصویری دیگری که در اینجا مورد بررسی ماست و از جایگاه ویژه ای در فرهنگ ایرانی، اسلامی ما برخوردار است، باغ است. به گفته جی. سی. کوپر: باغ به معنی بهشت، مزارع خوشبختی، بهترین سرزمین و مسکن ارواح است. باغ نماد جان، صفات پرورش یافته در آن و طبیعت نظم یافته و مطیع آن نیز هست. (کوپر، ۱۳۸۶).

در نگارگری ایرانی و عموماً هنر سنتی ایران مثل فرش بافی هم باغ های ایرانی معروف، از جایگاه خاصی برخوردارند. ایرانی ها همیشه با طبیعت ارتباط برقرار کرده و آن را نمادی از بهشت می دانند. در فرهنگ اسلامی: باغهای چهارگانه بهشت عبارتند از: جان، قلب، روح و جوهر که نماد سفر رمزی جان هستند. در فرهنگ مسیحیت نیز، باغ حصار کشی شده نماد مریم عذرا است. به اثر خسرو در مقابل قصر شیرین، وقتی می نگیریم درمی یابیم که هنرمند نگارگر از هر ابزاری برای



نشان دادن پاکی و پرهیز شیرین از بد نامی اشاره دارد. همانطور که در کتاب فرهنگ مصور نمادهای سنتی هم باغهای حصار کشی شده به معنی اصل پذیرنده و مونث هستند و همچنین مظهر بکارت نیز به شمار می روند. در اثر مورد نظر دو نوع باغ داریم، یک باغ حصار کشی شده در قصر شیرین، که مربوط به شخصیت اوست و دیگری باغ و بستانی که خسرو در آن قرار گرفته است. باغی که خسرو در آن است و در اکثر آثار نگارگری می بینیم، تجلی همان طبیعتی است که در فرهنگ ایرانی اسلامی ما به چشم می خورد و تداعی کننده بهشت است. البته در قسمتی از شعر نظامی آمده که شیرین پس از شنیدن خبر آمدن خسرو راه را برای او آذین بندی می کند و به نظر من این گل و بوته ها بر سر راه خسرو می تواند نمادی از این استقبال شیرین باشد. باغبان نیز در معانی به آفریننده تعبیر می شود.

زمقراضی و چینی برگذراگه یکی میدان بساط افکند بر راه

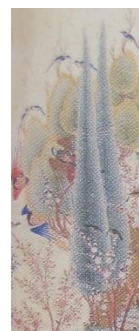
همه ره را طراز گنج بردوخت گلاب افشاند و خودچون عود می سوخت

طبیعت در عرفان اسلامی

در نزد عرفا و حکمای اسلامی، عالم ملک و طبیعت هر چند نازل ترین مرتبه از مراتب و حضرات وجود است ولی در انتهای قوس ترول قرار دارد. اما به جهت آن که عالم، ما سوای حق، و طبیعت، بنابر مرتبت خود، بهر و حصه ای از وجود حق دارد، نزد عرفا و از جمله هنرمندان دارای شان و مرتبه مهمی است. (گلستان حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۴). نگارگر ایرانی انسانی متفکر، با دانش، خلاق و حساس بوده است که با متفکرین و عرفا حشرو نشر داشته و از محضر شان کسب فیض نموده و جهانی منطبق با اندیشه هایشان که منبعث از ارض الحقیقه بوده است، رقم زده و برای داوری زمان به یادگار گذاشته است. (حسین، ۱۳۸۴، ۱۴). از دیگر عناصر مهم تصویری نگارگری ایرانی، درخت است. همیشه درخت ها در نگارگری ایرانی، گونه های متنوعی را به خود اختصاص می دهند و هرکدام از این درخت ها بارمعنایی خاصی را شامل می شوند. در ابتدا لازم می دانم درختان را به لحاظ گونه شناسی، بررسی کرده و بعد به نماد شناسی و معانی رازآمیز آنها بپردازم.



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۳

اولین درختی که در این نگاره، به چشم می خورد، درخت سرو است. سرو درختی همیشه سبز است و از دسته باز دانگان و تیره مخروطیان محسوب می شود. سرو شیرازی از وارسته های سرو ناز است که در شیراز به خوبی رشد می کند. سرو شیرازی به عنوان گیاه تزئینی در باغهای تاریخی و در محورهای اصلی کاشته می شده است. (ثابتی، ۱۳۸۲، ۷۵).



سرو مانند دیگر درختان همیشه بهار، نماد جاودانگی، یعنی حیات پس از مرگ است و از اینجاست که در کنار گورها در یونان باستان، ایتالیا، خاورمیانه و چین یافت می شود (هال، ۱۳۸۳، ۱۹۳). در این نگاره دو سرو در بالای تصویر، در کنار هم و یک درخت سرو در میانه تصویر، سمت چپ قرار دارد، که اگر بخواهیم با موضوع اثر ارتباطشان دهیم، می توانیم اینگونه بیان کنیم که دو سرو بالا، نمادی از دو عاشق و دلداره اصلی داستان ما یعنی خسرو و شیرین است و آن سروی که در سمت چپ، تک کشیده شده، می تواند بیانگر عاشق دیگر و شخص سومی در این داستان باشد که از اینها جدا افتاده و چون پشت درختان دیگر است، گویای داستان و شخصی در گذشته است، که می توانیم از فرهاد به عنوان این شخصیت نام ببریم. (تصویر شماره ۳). درختان سروی که به صورت جفت در بالا هستند در پشت درخت شکوفه گیلاس، ترکیبی زیبا ایجاد کرده اند. عموماً ترکیب این دو درخت حکایت از بزمی عاشقانه و خوشی دلدادگان جوان دارد. از خصوصیات درخت گیلاس اگر بخواهیم بگوییم، درخت گیلاس درختی است بلند و افراشته. پوست تنه آن به رنگ قرمز تیره و براق است و گاهی لکه های قهوه ای روشن بر روی آن دیده می شود. (روحانی، ۱۳۸۴، ۶۳). شاخه های جوان قهوه ای براق، و بعضی اوقات با پوشش خاکستری رنگ هستند و دارای جوانه هایی هستند که به صورت گروهی در انتهای شاخه می رویند (ماجت، ۱۳۸۳، ۸۰). دو درخت دیگر، از مهمترین درختانی هستند که در جلوی تصویر خودنمایی می کنند. یکی از درختان تنومند و دیگری باریک تر و کم شاخ و برگ تر است. به همین تناسب، باغ قصر شیرین دو باغبان دارد که یکی جوان و یکی پیر است و این تناسب می تواند یادآور این باشد که درخت پیر و انسان پیر شاخ و برگ و حاصل بیشتر و تجربیات بیشتری دارد. (تصویر شماره ۴). برگ هم که از مشتقات درخت و گیاهان است می تواند بار معنایی خاصی را برای خود داشته باشد. باروری، رشد، تجدید حیات از معانی کلیدی آن است. کویر می گوید: برگهای سبز نشان امید، احیاء و تجدید حیات هستند و برگهای مرده به معنی غم، پاپیز و پوسیدگی است و اگر با دقت بیشتری به نگاره شیرین و خسرو نگاه کنیم امید، شادی و هیجان در سبزی برگها به چشم می خورد. نگاره هایی که عموماً رنگهای پاییزی دارند و درختان آنها هم زرد هستند فضایی غم آلوده به خود می گیرند.

در این قسمت لازم می دانم به معنی و نمادگرایی عنصر معماری مانند برج بپردازیم زیرا معانی آن دور از عمارت بلند قصر شیرین نیست و ممکن است بتوانیم ارتباط معنایی خوبی با نگاره برقرار کنیم. برج معنای صعود دارد. در مسیحیت مظهر مریم عذرا است، که برج عاج نیز نامیده شده است. برج، علامت مشخصه قدیسه باربارا نیز هست. (کوپر، ۱۳۸۶). برج عاج نماد هر چیز غیر قابل دستیابی، اصل مونث و بکارت است. برج دو خصلته است: به سبب مفهوم پناه دهنده و محافظ بودنش، مونث است و به عنوان نماد قطیعی، مذکر است. در اینجا به نظر می رسد که نگارگر این نگاره، بیشتر تأکید بر خصلت اول برج که همان پناه دهنده و حفاظت و غیر قابل دسترس بودن است را برای شیرین داشته و همچنان در رابطه با شخصیت شیرین، دوشیزگی و پاکدامنی را مهمترین اصل شخصیتی او قرار داده است. در عناصر مرتبط با برج بام نیز معنای سرپناه، حفاظت و پناه دهی جنس مونث را دارد که به موضوع ما کاملاً مرتبط است.

به بام قصر بر شد چون یکی ماه نهاده گوش بر در دیده بر راه

از دیگر عنصرهای تصویری وابسته به بنای معماری «در» است. در فرهنگ مصور نمادهای سنتی، در نشانه امید، اغتنام فرصت، روزنه، گذر از یک مرحله یا یک جهان به جهان دیگر، ورود به زندگی تازه است. «در» باز هم اغتنام فرصت است، هم آزادسازی. در این نگاره یک در ورودی قصر که در پایین عمارت است، توسط یک نگهبان بزرگ به اندازه ابعاد در است، نقش شده که می تواند اینگونه به ما بفهماند که خسرو آمیدی برای ورود ندارد و ازدنیای خود که سر تاسر هوسرانی است، نمی تواند به دنیای مقدس و پاک شیرین پا بگذارد. نظامی نیز در باره همین قسمت چنین می گوید:

حصار خویش را در داد بستن رقیبی چند را بر در نشستن

یا در جای دیگر، برخورد خسرو با در بسته، چنین است:

دری دید آهین چون سنگ بسته زحیرت ماند بر در دل شکسته

نه روی آنکه از در باز گردد نه رأی آنکه قفل انداز گردد

رقیبی را به نزد خویشتن خواند که ما را نازنین بر در جدا ماند

در تمام ابیات ، ناامیدی خسرو از باز نشدن در ، به چشم می خورد و هنرمند نگارگر با قراردادن نهبانی در جلوی در ، سد راه شدن برای خسرو را به تصویر کشیده است . در ادامه به سراغ ادوات و ابزار پادشاه داستان می رویم. خسرو پرویز سوار بر اسبی سیاه رنگ به همراه وسایل شکار ، در حالی که رو به سوی بالای قصر (همانجا که شیرین نظاره گر است) ، دارد .



تصویر شماره ۶



تصویر شماره ۵

در فرهنگ اسلامی ، اسب نماد شادی و سلامتی است . در فرهنگ مسیحی ، اسب نماد خورشید ، شجاعت ، بخشندگی و بعدها در عصر روشنگری ، به نماد شهوت مبدل شد. در سردابه ها ، نشان گذر سریع زندگی است . تمامی معانی که در فرهنگ مصور نمادهای سنتی نوشته جی.سی. کوپر آمده ، با شخصیت داستان ما که پادشاه است ، تطابق دارد . خصوصیات از قبیل شادی و سلامتی و سرخوشی که مخصوص حال آن لحظه خسرو پرویز بود . همینطور شجاعت و بخشندگی و مهمتر از همه ، شهوتی است که پادشاه در این پلان از داستان به دنبال ارضاء آن بوده است . شبیدیز به معنای شیرنگ و شب مانند ، اسب سیاه رنگ خسرو پرویز بود که بسیار مورد علاقه وی بود و گفته بود هر کس که خبر مرگ شبیدیز را بیاورد اعدام خواهد کرد . (تصویر شماره ۵) . در تاریخ طبری درباب اسب مذکور چنین آمده است : خسرو را اسبی بود شبیدیز نام و از همه اسبهای جهان به چهار دست بلندتر بود و از روم به دست او افتاده بود . چون نعل بر دست و پای او بستندی بر هر یکی هشت میخ محکم کردند و هر طعام که خسرو پرویز خوردی . چون آن اسب بمرد ، فرمود تا صورت او را بر سنگ نقش کردند . نظامی نیز در ابیات خود، هنگامی که خسرو پرویز می خواهد به سمت قصر شیرین برود ، نام شبیدیز را می آورد و نگارگر با آگاهی کامل از این بیت از شعر ، خسرو را سوار بر اسبی سیاه رنگ در نگاره به نمایش می گذارد :

برون شد مست و بر **شبیدیز** بنشت سوی قصر نگارین را ند سرمست

و در جایی دیگر انتهای شعر می گوید :

سوی دیوار قصر آمد خرامان زمین بوسید شه را چون غلامان



سم شبیدیز را کرد آتشین نعل

گشاد از گوش گوهر کش بسی لعل

در ادامه به سراغ دیگر ابزار خسرو می رویم. همانطور که از نام شعر پیداست، خسرو پرویز به بهانه شکار و بدون خبر، به دیدن شیرین می رود. طبیعی است که ابزار شکار به همراه خسرو باشد ولی همان ابزارها هم می تواند بار معنایی خاصی در ادبیات و یا هنر و فرهنگ مصور داشته باشد.

عنصر تیر یا بُرّا، اصل مذکر است. به گفته کوپر معانی همچون نافذ، قضیعی، آذرخش باران، باروری، رجولیت، نیرو و جنگ، تیر را در بر می گیرد. تیر همراه با نیزه و شمشیر نمادی است که مظهر پرتوهای خورشید به حساب می آید و ضمناً نشانه جنگجو نیز هست. تیر در فرهنگ اسلامی، عذاب الهی است که بر دشمنان نازل می شود. نظامی نیز از ابزار آلات خسرو این چنین یاد کرده:

کمر شمشیر های زر نگارش به گرد اندر شده زرین حصارش

نبود از تیغها پیراهن شاه به یک میدان کسی را پیش و پس راه

در آن بیشه که بود از تیر و شمشیر زبان گاو برده زهره شیر

از دیگر ابزار آلات موجود در نگاره، ابزار موسیقی چند غلامی است که همراه خسرو پرویز آمده اند. سه غلام در پایین تصویر و نزدیک در ورودی باغ به چشم می خورند. یکی از آنها ابزاری مانند سه تار در دست دارد و دیگری چنگ. در فرهنگ نمادها، چنگ متضمن هماهنگی عددی عالم است. به طور مثال تعداد زه این چنگ عدد بیست را نشان می دهد که این عدد، تعداد افراد موجود در نگاره را نیز شامل می شود. از افراد موجود در نگاره، شیرین است که در بالاترین قسمت عمارت است و دو کنیز در دو طرف او هستند. سه نفر در پنجره سمت راست، و دو نفر دیگر، در پنجره سمت چپ دیده می شوند. سه تن در طبقه دوم در حال بحث و گفتگو هستند و یک نفر در اتاقی سمت چپ آنها، نیمی از بدنش به چشم می خورد. این عمارت یک نگهبان در پایین، و دو باغبان در باغ دارد. یک نفر هم که شبیه به نگهبان نیست و لباسی عادی بر تن دارد، در بیرون قصر ایستاده. و در نهایت خسرو و سه غلامی که همراه او هستند، جمعاً بیست پیکره را برای ما به نمایش می گذارند.

قبل از پرداختن به ماهیت عنصری فرا زمینی به نام فرشته لازم می دانم معانی رمز آمیز «بال» را در فرهنگ مصور مختصری توضیح دهم. در غرب و خاورمیانه بالها به تمایلهای الوهیت و موجودات فوق طبیعی منحصر هستند. بالها شمسی هستند و الوهیت طبیعت روحانی، تحرک، حفاظت و همه نیروهای فراگیرنده خدا، نیروی استعلاّی جهان مادی، خستگی ناپذیری، حاضر مطلق، هوا، باد، حرکت خود به خود، پرواز زمان، پرواز اندیشه، اراده، فکر، آزادی، پیروزی و چابکی را نشان می دهند. بالها نشانه پیک ایزدان تیز پا و نیروی ارتباط بین ایزدان و انسانها هستند. بالهای گسترده به معنی حفاظت الهی، یا محافظ آسمانها از گرمای خورشید است (کوپر، ۱۳۸۶). در فرهنگ اسلامی، هشت فرشته، عرش را که بر فراز دنیاست نگه می دارند. (تصویر شماره ۶) در فرهنگ مسیحیت، فرشتگان بالدار پیکهای الهی هستند یا ویژگیهای الهی دارند. (کوپر، ۱۳۸۶) طبق آموزه های دینی همه ادیان، فرشتگان نه عنصری برخواسته از ذهن آدمی، بلکه مخلوقات هستند که پروردگار آنها را افریده است. موجوداتی که به یقین، انسان قادر به درک دقیق موجود ایشان نیست. اما آنچه در کتب الهی آمده، اشاره به عوالمی وسیع تر دارد که شاید کودکان با معرفت فطری خود، درکی روشن تر نسبت به آن داشته باشند. حضور فرشته در تصویر، تلاشی است برای عینیت دادن به واسطه ای میان دنیای ناپیدا و عالم مشهودات. حضور فرشته را عموماً در داستانهای می بینیم که معنویت محور اصلی آن بوده و انسان در موقعیت ارتباط با عالم ناپیدا قرار دارد.

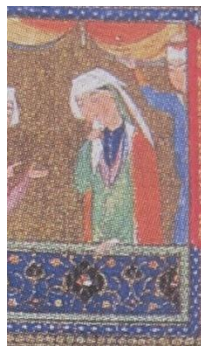
تصویر بال نیز در نقاشی ایرانی بسیار متنوع است و یکی از راههای تشخیص مکتب و حتی نقاشی تصویرگر همین شکل بالهاست. به این ترتیب که یا به صورت بال پرندگان و مملو از پره های رنگین است یا با شکل های شعله سان و برش دار. «در



نگاره خسرو مقابل قصر شیرین» هفت فرشته، در بالای قصر شیرین، درست در بالای ابرهای طلایی رنگ دیده می شود. سه فرشته در بین درختان در بالای تصویر، و دو فرشته به صورت تزئینات در طبقه دوم قصر شیرین وجود دارند.

بررسی پیکرهای نگاره

در این قسمت از پژوهش به دنبال ویژگیهای شخصیتی افراد نگاره، به خصوص دو کاراکتر اصلی داستان یعنی خسرو و شیرین می رویم. پادشاه ایران در این نگاره، لباسی به تن دارد که از ترکیب رنگهای آبی (لباس زیرین) سبز (لباس روی آبی) و قرمز که قبای اوست، تشکیل شده است. دقیقاً ترتیب لباسها با توجه به رنگهایشان، همان ترتیبی است که شیرین با آن پوشیده شده است. رنگ آبی معنایی الهی و آسمانی دارد و در میان شرقی ها و غربی ها، نشانه ای از تقدس است. به همین دلیل در کاشی کاریهای مساجد، حسینیه ها و مکانهای مقدس از رنگ آبی استفاده می کنند. چون این رنگ کمک می کند انسان به ملکوت بیندیشد.



تصویر شماره ۷

مسیحیان، پیراهن حضرت مریم را که دارای تمام فضایل اخلاقی است، به رنگ آسمانی نقاشی می کردند که نشاندهنده حفظ جان و جاودانگی اوست. آبی نماد اعتماد است. در برخی افسانه ها، آبی نشانه پدر آسمان است و نشاندهنده حکمت، رهبری و پادشاهی می باشد. در نقاشی های کلیساها، رنگ آبی نشاندهنده احساسات عمیق، شکوفایی اعتقاد و تواضع در برابر خداوند است. با معانی که از رنگ آبی آورده شد، مهم بودن، ملکوتی بودن عشق و شخصیت این دو فرد (شیرین و خسرو) برای ما از طریق نگاره، مشخص می شود ولی سهم رنگ آبی کم است یعنی مقدار این خصوصیات تا حدی کمتر از عوامل دیگر است، ولی وجود دارد. پادشاهی، رهبری، حکمت، برای خسرو و اندیشیدن به پاکی و ملکوت، حفظ جان و جاودانگی و احساسات عمیق هم برای شیرین از خصوصیات است که دیده می شود.

رنگ سبز، نماد آرامش است. همچنین به معنای آزادی و رهایی و نشانه زندگی نیز هست. و حس آبادانی را تداعی می کند. جالب است بدانیم رنگ سبز در قرون وسطی، نشانه زندگی جدید و رشد بود به همین دلیل، رنگ سبز را برای لباس نوجوانان انتخاب می کردند. در اسلام، رنگ سبز نشانه ی ایمان و عقیده در دین، توکل به خدا، بقاء و جاودانگی است و همچنین نشانه روز قیامت است.

هنرمند نگارگر ایرانی، همواره تقدس را محور اصلی نقاشی خود قرار داده و شخصیت های داستان را هم از این محور دور نمی کند. شاید دلیل اصلی استفاده از رنگ سبز برای پوشش شیرین و خسرو علاوه بر قداست، عشق این دو شخصیت و آلوده نشدن آنها به هوس، نماد زندگی و طراوت و جوانی هم بوده است. سبزی روشن که با رنگ درختان و باغهای ایرانی و شادابی و سرزندگی همخوانی دارد. و اما قرمز، نماد قدرت است. در شرق، رنگ قرمز یادآور آتش و از طرفی نشان دهنده تولد دوباره



می باشد. رنگ قرمز در کیمیاگری، نشانه قدرت مردانه و نشانه ای از سرخی خورشید است. جالب اینکه از زمان زندگی قبیله ای تا قرون وسطی، وقتی کسی به جنگ یا شکار می رفت، با رنگ قرمز نقاشیهایی روی بدن خود می کشید تا این رنگ قدرت جسمانی او را زیاد کند و از او در برابر مرگ و زخمی شدن، محافظت نماید. در واقع انسان با به کار بردن این رنگ هم به دنبال خطر می رود و هم می خواهد خود را از آن حفظ کند.

در مذاهب یهودیت و مسیحیت، رنگ قرمز یادآور گناه به ویژه گناهان شهوانی بوده است. خصوصیتی که برای رنگ قرمز یاد شد، در خسرو، مردانگی، به سراغ خطر رفتن و هوسرانی را تداعی می کند و صفاتی همچون قدرت، دوری از خطر، را برای شیرین یادآور می شود. البته به زعم بنده شاید هم رنگ بودن لباس دو شخصیت ارتباط فردی این دو و نقش اصلی داستان بودنشان را می خواهد نشان دهد. علاوه بر رنگ لباس نحوه ایستادن پیکره ها و حرکات و اشارات آنها گویای خیلی از مسائل خواهد بود. خسرو با بدنی کشیده، راست و محکم سر خود را بالا گرفته و با یک دست افسار اسب را در دست دارد و با دست دیگر اشاره به سمت بالا که مکان ایستادن شیرین است. شیرین نیز در حالی ایستاده که سمت پایین را نگاه می کند، یک دست را به لبه پنجره و دست دیگر را به دهان گذاشته است گویا از دیدن خسرو حیرت کرده است.

دیدگاههای کلامی نظامی

نظامی گنجوی نه تنها شاعری تواناست بلکه فیلسوفی آگاه و شخصیتی اخلاقی و اجتماعی و عالمی مسلط به امور و علوم دینی نیز هست. آثار نظامی را از دیدگاههای مختلفی می توان بررسی کرد که در اینجا مختصری از دیدگاه کلامی و اعتقادات نظامی بیان خواهد شد. البته تشخیص قطعی مکتب کلامی نظامی به آسانی ممکن نیست، زیرا این نکته نیز مانند سایر نکات مربوط به زندگانی شخصی او، در پرده ای از ابهام فرو رفته است. بعضی کوشیده اند تا او را شیعه معرفی کنند اما نظریه های کلامی او این مطلب را تایید نمی کند. قراین به دست آمده و نظریه های ارائه شده در آثار نظامی، او را بیشتر متمایل به اشعری می نمایند. اگر چه خرد گرایی آشکار نظامی و توجهات خاص او به مسائل عقلی، بویژه در مخزن الاسرار و اسکندرنامه، او را به معتزله یا شیعه نزدیک می کند اما، اوضاع و احوال حاکم بر عصر نظامی، که عصر تعصب و غلبه متعصبان و شدت اختلافات دینی است، حدس اشعری بودن نظامی را قوت می بخشد. زیرا مهمترین مکتب کلامی این عصر، اشعری و مهمترین مذهب فقهی این دوره نخست حنبلی و دیگر شافعی بوده است. (خاتمی، ۱۳۸۸، ۴)

کلام، علم به قواعد و مسائلی است که نتیجه اش تسلط انسان بر اثبات و دفاع از اصول دین و رد و دفع شبهات به اقامه دلیل و برهان است. و این همان مطلبی است که حکیم نظامی، شاعر دانستان پرداز و حماسه سرای ایرانی، در آثار خود بدان نظر داشته است (خاتمی، ۸۸). توحید نیز، عبارت از علم به یکتایی خداوند متعال است و اینکه او را شریک و انبازی که سزاوار صفات او باشد نیست. نظامی هم عقل و اندیشه را از فهم و درک خدا عاجز می داند و انسان را با توجه به امکانات محدودی که دارد، از ادراک خدای تعالی عاجز میداند و راهی جز اقرار به ضعف و ناتوانی خویش ندارد. نظامی بعد از اقرار به ناتوانی انسان در مقابل عظمت خداوند، به کاربرد عقل در خداشناسی اشاره می کند:

ترازوی همه ایزد شناسی چه باشد جز دلیلی یا قیاسی

قیاس عقل تا آنجاست بر کار که صانع را دلیل آمد پدیدار

بعد از بیان کاربرد عقل در خداشناسی، نظامی به فطری بودن خداگرایی اشاره می کند. توحید ذاتی در ابیات بسیاری از نظامی دیده می شود و او ذات اقدس الهی را از هر گونه شرک منزه می داند:

یکی، کز دویی حضرتش هست پاک نه از آب و آتش، نه از باد و خاک



توحید افعالی هم از دیگر مباحثی است که نظامی اشعار فراوانی درمورد آن دارد. نظامی صفات الهی را، مانند ذات الهی قدیم می داند. و صفاتی مانند واجب الوجود و قائم به ذات بودن، قادر بودن، باقی و ابدی بودن، مثل و مانند نداشتن و عادل بودن را در جای جای اشعار خود به اثبات می رساند. در آثار نظامی ابیاتی در باره فعل بندگان به چشم می خورد که دلالت بر اعتقاد نظامی به « جبر » دارد و فعل انسان را از جانب خدا می داند:

جز به حکم تو نیک و بد نکنند . هیچ کاری به حکم خود نکنند

از نظر شاعر گرانقدر ایرانی، نظامی گنجوی، عالم دارای سه ویژگی اصلی است. اول اینکه عالم حادث است. بدین معنی که عالم ما به گونه ای به وجود آمده که کسی نمی داند و فقط یک راز نزد پرورگار است و به نحوی پایان می پذیرد که کسی نمی داند. دوم بر این عقیده بود که عالم ما عبث و بیهوده نیست.

مبین در نقش گردون، کان خیال است گشودن بند این مشکل محال است

برابر سر گردون رهبری نیست جز آن کاین نقش دانم سرسری نیست.

و در آخر نظامی در خلقت عالم ویژگی نهایی که ذکر می کند این است که نظام عالم نظام احسن است و در اشعار خود اینگونه می گوید که جهان را به خوبی به وجود آوردی؛ از گرما و سرما، خشک و تر همه چیز را به اندازه آفریدی و به نحوی در کنار هم آفریده هایت را قراردادی که عقل از دیدن آنها عاجز است. یا در جایی دیگر می گوید:

کواکب تو بر بستی افلاک را به مردم تو آراستی خاک را

تویی گوهر آمای چار آخشیح مسلسل کن گوهران در مریخ

حصار فلک بر کشیدی بلند در او کردی اندیشه را شهر بند

چنان بستی آن طاق نیلوفری که اندیشه را نیست زو برتری

نظامی همواره خوانندگان را به پیروی از شریعت اسلام میخواند و شریعت اسلام را شریعت خاتم دانسته است:

عقل شده شیفته روی تو سلسله شیفتگان موی تو

چرخ زطوق کمرت بنده ای صبح زخورشید رخت خنده ای

عالم تر دامن خشک از تو یافت ناف زمین نامه مشک از تو یافت

اعتقاد نظامی درباره خلافت و جانشینی پیامبر، همان امری است که در ظاهر به غیر شیعه بودن او اشاره دارد و نشانگر این است که نظامی خلفای راشدی را حق دانسته است. همانگونه که در این شعر مستحضر هستید:

به مهر علی گرچه محکم پییم زعشق عمر نیز خالی نیم

همیدون در این چشم روشن دفاع ابوبکر شمع است و عثمان چراغ

نظامی به مسئله توبه نیز که از مسائل مورد اختلاف متکلمین است اشاره دارد. وی دل گناهکاران را به نور توبه امیدوار ساخته و توبه را وسیله کمال انسان و تقرب به خدای متعال دانسته است. شفاعت را نیز که مورد قبول بعضی متکلمین نیست، باور دارد و بارها به شفاعت پیامبر اکرم(ص) اشاره نموده است و همچنین مسئله مهم معاد هم در آثار نظامی به چشم می خورد و به نوعی درصدد اثبات معاد برمی آید:

نظامی بدین بارگاه رفیع نیارد به جز مصطفی را شفیع
گر سفر از خاک نبودی هنر چرخ شب و روز نکردی سفر
تاندرد دیو گریبانت ، خیز دامن دین گیر و در ایمان گریز

نتیجه گیری

در این قسمت از پژوهش با توجه به دیدگاههای کلامی نظامی ، به سراغ اثر « خسرو مقابل قصر شیرین » رفته و ارتباط معنایی و یا شکلی اثر هنرمند نامعلوم را با دیدگاه نظامی ، تطابق خواهیم داد ، بدین منظور که هنرمند تا چه میزان به دیدگاه کلامی نظامی به عنوان شاعر اثر نزدیک بوده و در چه قسمت هایی از اثر ارتباط لازم را با شعر و منبع ادبیاتی نگاره برقرار کرده است . نکته اول اعتقاد نظامی به توحید ذاتی است که خداوند را از هرگونه شرک منزه می داند . هنرمند نگارگر این توحید و یکی بودن خداوند را به نظر من در وهله اول ، با گنبد بالای عمارت شیرین نمایش می دهد که همان کثرت به وحدت را برای ما یاد آور است . از دیگر سو با آوردن فرشتگان ، فضای مقدس و روحانی داستان را به تصویر کشیده . وجود فرشتگان در جای جای بالای تصویر حاکی از حضور خداوند و نظاره گر بودن او به قضایا و اتفاقات است .

هنرمند نگارگر ، با تنوع درختان ، گیاهان ، طبیعتی وصف نشدنی را به تصویر کشیده که همین امر می تواند گویای بخشش بی حد و حساب خداوند و توحید افعالی او باشد . از ویژگیهای اصلی که نظامی در اشعار خود برای عالم ذکر می کند ، این است که نظام عالم ، نظام احسن است . نگارگر اثر مورد نظر ما ، تنوع گیاهان ، درختان ، انسانها ، حتی عمارت را گواه این نگرش قرار داده است . یعنی در عالم هرچیزی که ما فکر می کنیم و نیاز داریم و می بینیم را خداوند به خوبی آفریده و در اختیار ما قرار داده است . و به نحوی زیبا در کنار هم ، ادوات عالم را چیده که عقل از دیدن و درک آنها عاجز است .

در ادامه باید گفت شریعتی که نظامی مد نظر داشته و در جای جای منظومه خود از آن نام برده را هنرمند نگارگر با روحانی کردن فضا به وسیله گنبد ، فرشتگان و حتی با اصل حجابی که شیرین دارد ، به بینندگان عرضه می دارد . اگر به نوع پوشش شیرین با وجود مسیحی بودنش نگاه کنیم ، کاملاً به حیا و عفت او و شریعتی که نظامی از آن نام می برد ، پی خواهیم برد . حتی اگر کمی دقت کنیم اتافی که شیرین در آن قرار دارد ، با کنیزان خود ، دارای پرده در بالای سر شیرین است و این همان حجاب با حیایی است که یک زن به خصوص دوشیزگان باید در برابر مردان داشته باشند .

تا اینجا می بینیم که هنرمند نگارگر تا حدودی در نگاره «خسرو در مقابل قصر شیرین» به دیدگاههای نظامی در زمینه های توحید ذاتی و افعالی ، نوع شریعت او و اعتقاد او به نظام احسن عالم توجه کرده است . امید است در این مقاله ، توانسته باشم دریچه ای جدید در نگاه به آثار هنرمندان و دانشمندان ایران عزیز ، باز کرده باشم . با تشکر



منابع :

- کوپر، جی سی ، فرهنگ مصور نمادهای سنتی ، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر تهران ، فرهنگ نشر نو ، ۱۳۸۶ ، چاپ دوم
- آیت اللهی ، حبیب ، شیوه های مختلف نقد هنری ، انتشارات سوره مهر(وابسته به حوزه هنری) ، ۱۳۸۷ ، چاپ سوم ،
- کنبای، شیلا ، نگارگری ایرانی ، ترجمه مهناز شایسته فر ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال ۱۳۸۱
- کفشچیان مقدم، اصغر ، یاحقی ، مریم ، بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران، فصل نامه علمی-پژوهشی باغ نظر ، سال هشتم ، شماره نوزدهم ، زمستان ۱۳۹۰
- صالح شوشتری ، سمیه ، شیرازی ، علی اصغر ، تطبیق شکل درخت در طبیعت با آثار نگارگری ایرانی ، فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره ، شماره هفتم ، تابستان ۸۷
- حاجی محمدی ، مژگان ، حاصلی ، پرویز ، بررسی تصویر فرشته در کتب تصویری کودکان ، فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره ، شماره هفتم ، تابستان ۸۷
- گنجوی ، نظامی ، خسرو و شیرین ، ویرایش امین بابایی پناه ، www.ParsBook.org
- خاتمی ، احمد ، دیدگاههای کلامی نظامی گنجوی ، نشریه کتاب ماه فلسفه ، سال سوم ، شماره ۳۴ ، بهمن ۱۳۸۸ ، صفحه ۴ تا ۱۱
- ثروت، منصور، یادگار گنبد دوار (تخلیص و تحلیلی از خسرو و شیرین نظامی)
- زنجانی ، برات ، شاهکارهای ادب فارسی (خلاصه داستان خسرو و شیرین)



An analysis of Iranian painting (Khosro front of shirin's Castle) and its relation with Nezami Ganjavi's Verbal views

Author : fatemeh hassanpoor behbahani
Master of handi craft

Abstract

The work analyzed in this research is one of the 15th century Iranian paintings. In this article, after analyzing its subject, content, shape and form, I have analyzed the part of the Nezami's story that is related to this painting. During the library studies that were conducted in the field of getting to know Nezami's verbal views and I tried to connect the conceptual, form and content of the work with the Nezami's theological point of view. To come to the conclusion that how much the Iranian painter paid attention to these views in her work and how she used them in creating the desired work.

Key words : khosro & shirin , Iranian painting , Nezami Ganjavi